

▪ **با وجود رفتارهای یکجانبه دولت مودی علیه مسلمانان و همسایگانش می توان چنین استنباط کرد پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تنها واکنشی از سوی رهبر عالی ایران به تندروی‌های نخست‌وزیر و هیأت حاکمه هند نبوده، بلکه این پیامی بود از چهره‌ای محبوب میان مسلمانان بویژه شیعیان شبه‌قاره که به مدت نیم‌قرن دلسوز آنها بوده است**

چرا نقش رهبری معنوی ایران در شبه قاره هند بدون جایگزین است؟

دوستان صاحب‌علی

گزارش «وطن امروز» دربارهٔ مختصات فرهنگی و مذهبی شیعیان هند

به بهانه راه‌اندازی اکانت توئیتر رهبر انقلاب به زبان هندی

شروین طاهری؛
با آنچه در همین یک سال گذشته، شاید باید هر آنچه از پیوندهای کهن پارسیان با سرزمین مهاراجه‌ها شنیده و خوانده بودیم، به فراموشی می‌سپردیم، اما به شکلی شگفت‌انگیز قصه طوطی و بازرگان در دنیسای امروز تیلور یافت تا داستان چند هزار ساله دوستی ایران و هند وارد فصلی جدید شود. تحولات اخیر باعث شد پیوندهای شیعی میان فلات ایران و شبه‌قاره هند، ارزشی راهبردی پیدا کند و جایگزین ستون‌های تخریب یا تضعیف‌شده پل میان دهلی‌نو و تهران شود.

این در حالی است که از وقتی «نارندرا مودی» رهبر پیشین سازمان میهن‌پرستان افراطی هندو موسوم به «آراس‌اس» که بزرگ‌ترین میلیشیای جهان محسوب می‌شود، به رهبری حزب بهاراتیا جاناتا رسیده و بزرگ‌ترین انتخابات جهان را برده است، میراث گاندی را شخم زده و دست در دست همان نیروهای استعماری که رهبر استقلال هند علیه‌شان قیام کرده بود، از هیچ تلاشی برای راه انداختن جنگ هویتی میان اکثریت هندو و اقلیت بزرگ مسلمان در کنار پیوستن به تهدیدات و تحریمات ائتلاف غربی – عربی علیه هندوستان تاریخی خود بویژه چین، پاکستان، ایران و کشمیر فرگذار نکرده است.

حزب حاکم بویژه به دنبال پیروزی مجدد در انتخابات سراسری ۲ سال پیش، شمشیر را بر همه مشترکات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هند با ایران از رو کشیده؛ از کشتار و سلب تابعیت مسلمانان تا حصر کشمیر و حتی دریغ کردن نشان گرز و عنوان «رستم» از پهلوانان ایرانی. این در حالی بود که عربستان و دیگر شیخ‌نشین‌ها به همراه مصر از مسلمان کشی مودی و دوستانش حمایت هم کردند.

البنه سلسله‌انگاری است اگر تعابیر رفتار خطرناکی را که هندوان افراطی در تفرقه‌افکنی در شبه‌قاره و پیرامون آن در پیش گرفته‌اند صرفاً متوجه ایران بدانیم، این فتنه چندجانبه به تحریک استعمار کهن و صهیونیسم جهانی می‌رود شبه‌قاره را از پل ارتباطی تاریخی جهان اسلام با شرق و جنوب آسیا، تبدیل به کانون یک جنگ جهانی تمام‌عیار در نیمکره شرقی کند.

شاید به همین خاطر بود که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی ۶ ماه پیش درباره جریمه‌دار شدن قلب مسلمانان جهان از کشتار مسلمانان هند، به دولت نارندرا مودی هشدار ی اساسی دادند: «دولت هند باید در مقابل هندوهای افراطی و احزاب طرفدار آنها بایستد و با توقف کشتار مسلمانان، از انزوای خود در جهان اسلام جلوگیری کند».

مرور آنچه حزب حاکم بهاراتیا جاناتا با سکوت ضمنی رقیب همیشگی‌اش حزب کنگره در قریب به یک سال اخیر انجام داده است، ما را به این نتیجه می‌رساند که رهبر انقلاب، تنها نگران تیره شدن روایت کهن ما با دهلی‌نو در روزگار تحریم نبوده‌اند، بلکه نگرانی اصیلی نسبت به سرنوشت خود مردمان شبه‌قاره امع از مسلمانان غیرمسلمان دارند.

از تابستان ۲۰۱۹ به این سو، دولت و اکثریت پارلمان هند ابتدا به شکلی غیرمشروع و بر خلاف نص قانون اساسی این کشور، وضعیت خودمختاری استثنایی اعطا شده به سرزمین کشمیر هنگام الحاق به هند مستهل در سال ۱۹۴۸ را ملغی کردند و بلافاصله به حصر کامل، اشغال نظامی و سرکوب خونین مردم این منطقه عمدتا مسلمان نشین در تاج تمدنی شبه‌قاره پرداختند و بلافاصله قانون تمحیلی دیگری را از تصویب هر ۲ مجلس علیا و سفلی یعنی «راجیا سابا» و «لوک

چرا نقش رهبری معنوی ایران در شبه قاره هند بدون جایگزین است؟

دوستان صاحب‌علی

سابا» گذراندند که به موجب آن بسیاری از مهاجران یا مقیمان مسلمان به این کشور طی ۷ دهه پس از استقلال پاکستان و بنگلادش از هندوستان، سلب تابعیت و اخراج می‌شوند. اینک با وجود قرنطینه‌ها و منع سفرهای ناشی از همه‌گیری کرونا، مودی و متحدان فاشیست او این روند ظالمانه را برای اخراج جمعیتی دست‌کم ۱۰ میلیون نفری آغاز کرده‌اند.

دهلی‌نو همچنین در عرصه اقتصادی از پاییز گذشته به ساختار تحریم‌های آمریکایی نفتی و مالی علیه جمهوری اسلامی ایران پیوست. در عرصه نظامی و راهبردی نیز با دولت ترامپ موافقتنامه‌ای بی‌سابقه امضا کرد و شروع به خرید جنگ‌افزارهای گران‌قیمت از آمریکا و متحدان غربی‌اش کرد. همچنین در عمل به ائتلاف جدید ناتو برای توسعه به سمت شرق، شامل رژیم صهیونیستی، استرالیا و دولت‌های مرتجع عربی ملحق شد. این ائتلاف معانی دیگری هم دارد، از جمله اینکه نشانه عزم جدی هندوستان تحت حاکمیت مودی برای پروژه قطع طریق راه دریایی ابریشم میان شرق آسیا و خلیج‌فارس و دریای عمان است که مستقیماً چشم‌انداز منافع اقتصادی ایران و پاکستان را تهدید می‌کند.

با چنین رفتارهای یکجانبه‌ای از سوی مودی، می‌توان چنین استنباط کرد پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تنها واکنشی از سوی رهبر عالی ایران به تندروی‌های نخست‌وزیر و هیأت حاکمه هند نبوده، بلکه این پیامی بود از چهره‌ای محبوب میان مسلمانان بویژه شیعیان شبه‌قاره که دلسوز آنهاست. نباید فراموش کرد ایشان در سال‌های پیش از انقلاب به‌طور جدی به مطالعه نقش مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان از چنگال استعمار پیر بریتانیا پرداخته و احتمالاً از آن قیام‌الگووهایی عملی برای انقلاب اسلامی ایران گرفته بودند.

کتاب «مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان» ۱۰ سال پیش از پیروزی انقلاب، به عنوان تالیف مشترک و ترجمه طلبه جوان و مبارز آن روز به نام سیدعلی خامنه‌ای منتشر شد که سلاواک برای چندمین بار او را به‌عنوان یکی از اعضای هسته مبارزان حوزی علیه رژیم پهلوی دستگیر کرده بود.

ایشان در مقدمه کتاب آورده‌اند این اثر را با الهام از کتاب عربی «فلاح المسلمین فی تحریر الهند» به قلم یکی از علمای دانشگاه «الازهر» به نام «عبدالمنعم النمر» که مدت ۲۶ ماه در هند مشغول تحقیق بوده است، ترجمه و سپس بازتالیف کرده‌اند.

محمدرضا کاتیبی، تاریخ‌شناس انقلاب معتقد است تاریخ تدوین و محتوای این اثر بیش از هر چیز، نوعی سنخیت بین موضوع اثر و شرایط اجتماعی آن روز ایران را نشان می‌دهد که از جنبه تاریخی، در خور تأمل است. این کتاب حدود ۵ سال پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و در شرایطی منتشر شد که بسیاری از گروه‌های مبارز در حال مطالعه در تاریخ نهضت اسلامی در سایر کشورها و مبارزات مسلمانان و تعاملات آنها با جنبش‌های ضداستعماری معاصر بودند. در واقع این اثر پاسخی به نیاز عناصر و جریانات مبارز برای مطالعه شیوه‌هایی بود که مسلمانان در شرایط گوناگون و کشورهای متفاوت برای مبارزه با استعمار در پیش گرفته بودند.

سیدعلی خامنه‌ای جوان آن روز بویژه به این پرداخته بود که چگونه در قرن بیستم، پیوستن مسلمانان به نهضت روبرویی با استعمار انگلیس تبدیل به انتخابی هوشمندانه توسط رهبران استقلال سرزمین بسیار وسیع ۷۲ ملت با تنوع دینی، قومی و نژادی شده و در نهایت به پیروزی می‌انجامد.



▪ **جور هندستان و حب دوستان**

۱۲ سال بعد از انتشار آن کتاب مهم و در دومین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در قامت عضو برجسته شورای انقلاب در همان نخستین سفر رسمی خود راهی دیار مهاتما گاندی و ابوالکلام آزاد شدند تا ثابت شود شبه‌قاره هند که بزرگ‌ترین جمعیت مسلمین را در خود جای داده، چه اهمیتی برای ایشان و برای انقلاب اسلامی دارد. ایشان از شهرهای دهلی‌نو، حیدرآباد، بنگلور، بمبئی، کشمیر و سرینگار (مرکز کشمیر) دیدار کردند. در اغلب شهرها ایشان مورد استقبال جمعیت گسترده مسلمانان از شیعه و سنی قرار گرفته و در منازل آنها اقامت کردند.

پهمن‌ماه ۱۳۵۹ نقطه اوج آن سفر با استقبال هزاران نفر از اهالی حیدرآباد از ایشان در یکی از کهن‌ترین حسینیه‌های هندوستان به نام دربار حسینی شکل گرفت.

مولانا حافظ محمد عثمان، امام جماعت مسجد حیدرآباد در آن زمان نزدیک ۴ دهه پس از دیدار از این شهر آن را رویدادی فوق‌العاده برای مسلمانان شبه‌قاره توصیف می‌کند و محمد محمود علی از مقامات ایالت تلنگانا که حیدرآباد در آن واقع شده، همچنان از علاقه خود و خانواده‌اش به میهمان خاص ایرانی سخن می‌گوید. کشمیری‌ها هم روایت‌های مشابهی از استقبال از «صاحب علی» محبوب‌شان و فرستاده امام خمینی(ره) به دیارشان دارند (گفت‌وگو با دکتر شفیع در همین صفحه را بخوانید).

با آنکه پاکستان و بنگلادش، ۲ کشور کاملاً مسلمان شبه‌قاره بودند اما گوئی پیام انقلاب اسلامی ایران زودتر از آنها به سرزمین هندوان می‌رسید که البته همان زمان مجموع جمعیت مسلمانش به اندازه ۲ همسایه مسلمانش بود.

مشهور است زمانی که امام بخاری، برجسته‌ترین روحانی اسلام در هند، پس از پیروزی انقلاب به دیار تامل‌برانگیز(ره) آمده بود، مدعی شده بود رهبری ۲۷۰ میلیون مسلمان این کشور اعم از شیعه و سنی را بر عهده دارد. این جمعیت حتی از آمار رسمی‌ای که دولت دهلی‌نو از مسلمانان کشور ارائه می‌دهد نیز بیشتر است حال آنکه جمعیت هند در این ۲۰ سال بیش از ۲ برابر شده و قاعداً امروز دست‌کم بیش از ۵۰۰ میلیون مسلمان در آن سامان زندگی کنند که یک‌پنجم آنها را شیعیان تشکیل می‌دهند و تازه بخش مهمی از اهل سنت، حنفیان محب اهل‌بیت هستند. طی ۲ هفته گذشته بار دیگر، مشاهده گسترده‌گی محشر محرم در هند موید همین واقعیت بود؛ اینکه برخلاف تصور رایج، بزرگ‌ترین هیأت حسینی در جهان نه در ایران و عراق، بلکه در شبه‌قاره متشکل از هندوستان و پاکستان و بنگلادش برگزار می‌شود که طبق

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر محمد شفیع مصطفی، کارشناس کشمیری مسائل شبه‌قاره هند

نگاه شیعیان هند به رهبر ایران است



ایران امید ببندند، بویژه در کشمیر هنوز هم انقلاب میان اهل سنت طرفدار دارد.

■ **سنی‌های هند بیشتر از چه مذهبی هستند؟**

۴۰ سال پیش- زمان آن سفر تاریخی- عمدتاً حنفی بودند اما بتدریج با تبلیغات سعودی‌ها بخشی از مسلمانان سنی در حال گرایش به مذهب حنبلی هستند، چرا که وهابی‌ها فکر می‌کنند این مذهب به خودشان نزدیک‌تر است.

■ **گفته می‌شود حکومت هند به شیعیان بیش از دیگر مسلمانان گرایش دارد، این حقیقت دارد؟**

تا حدودی، قبل‌ترها فرقی بین شیعه و سنی نبود اما به مرور که نفوذ سعودی‌ها وهابی‌ها روی مسلمانان اهل سنت افزایش یافت، هندی‌ها (دستگاه حکومتی) اعتمادشان را به آنها از دست دادند و بیشتر به شیعیان رو کردند. حساسیت هندوها به اهل سنت هم به‌خاطر تصویر خشنی است که توسط وهابی‌ها ارائه می‌شود و هم اینکه از آنها به‌خاطر نزدیکی به پاکستان احساس خطر می‌کنند. متأسفانه این به‌خاطر عقب مانده نگاه داشتن جامعه مسلمانان هم هست. اگر آنها بیشتر به تحصیلات و پیشرفت اجتماعی رغبت داشتند، آگاهی بیشتری نسبت به مسائل روز داشتند و



برآوردهای بسیار حداقلی حدود ۳۰۰ میلیون عزادار زیر خیمه‌گاه حسینی جمع می‌شوند. ظرفیتی بسیار عظیم چه برای ایران و چه برای انقلاب که رهبر انقلاب از یک دهه پیش از پیروزی انقلاب متوجه آن شده بودند و در تمام ۴ دهه پس از انقلاب روی آن تأکید داشته‌اند و با این همه همچنان مغفول مانده است.

ایران در ۲ دهه نخست پس از انقلابش، با آنکه بهترین روابط دولتی را با هند داشت، در عین حال پیگیرترین دولت خارجی درباره ظلمی بود که هندوان به مردم کشمیر روا می‌داشتند. می‌گویند صاحب عثمانی، شخصیت فرهنگی مسلمان هندی که به مدت ربع قرن رابزن فرهنگی سفارت این کشور در ایران بود، اوایل دهه ۱۳۷۰ گلابیه مقامات حزب حاکم کنگره در دهلی‌نو را به تهران منتقل می‌کند و در ملاقات با رئیس‌جمهور وقت می‌گوید آنقدر که

تربیون‌های نماز جمعه در املقرا و دیگر شهرهای مهم جمهوری اسلامی ایران، دغدغه کشمیر را دارند، دغدغه فلسطین را ندارند!

این نشان از هوشمندی سیاست خارجی آن زمان ایران منطبق بس اهداف انقلاب اسلامی در روزگاری نه چندان دور دارد که با تشخیص حساسیت صدها میلیون مسلمان هندی و پاکسی و بنگالی روی موضوع کشمیر تلاش داشت به دولت‌های دهلی‌نو، اسلام‌آباد و داکرا تفهیم کند رهبر واقعی مسلمین شبه‌قاره کیست.

در همان ماجرای ملاقات امام بخاری

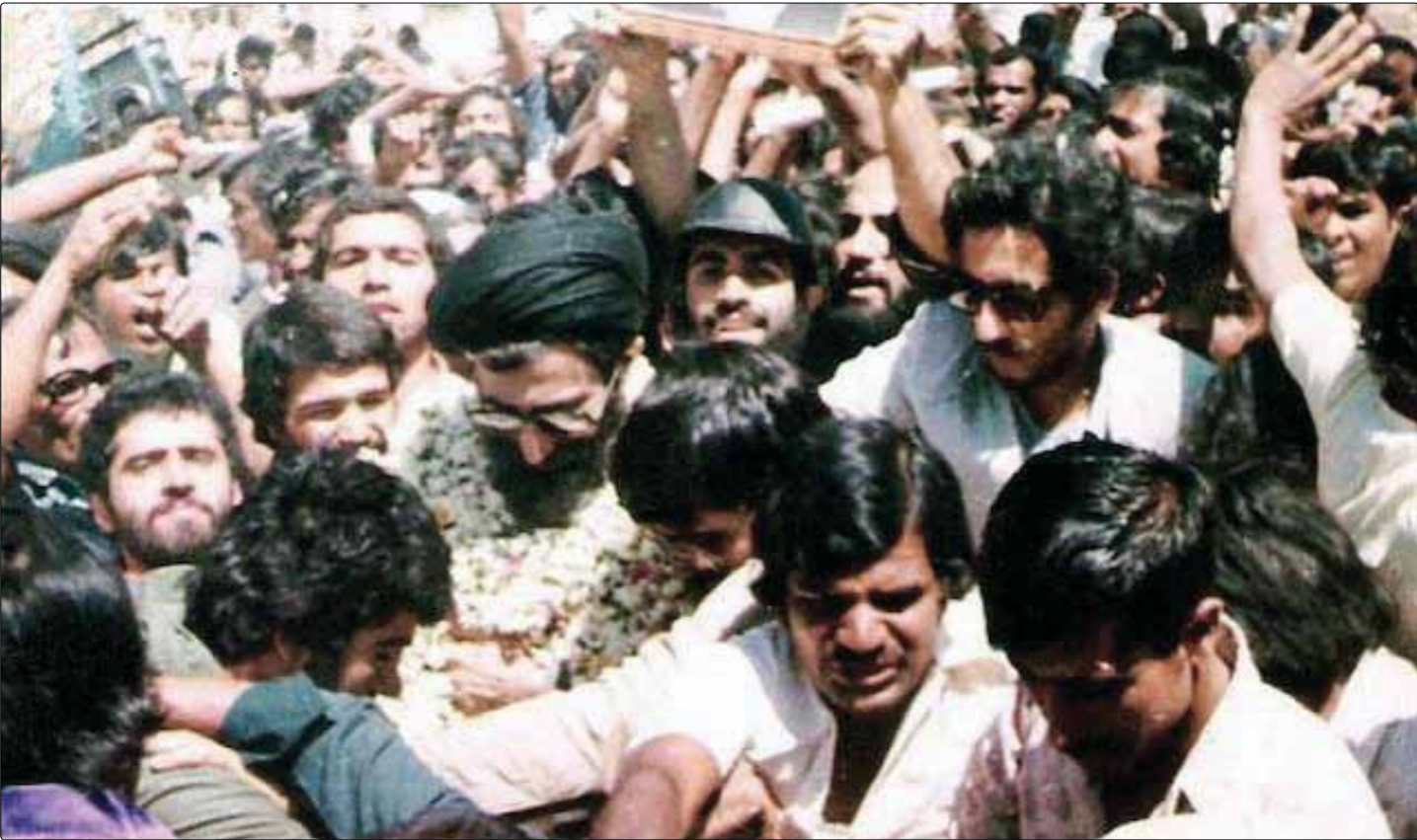
با امام خمینی در تهران که وصفش رفت، واکنش بنیان‌گذار انقلاب به ادعای رهبری میهمان هندی، بسیار تأمل‌برانگیز بود. ایشان در پاسخ بخاری می‌گوید اگر ادعای شما درباره رهبری ۲۷۰ میلیون مسلمان حقیقت داشته باشد، وای به حال شما

اگر نیتی جز نیت خدایی داشته باشید.

آن روز شاید برخی این واکنش را ناشی از همان روحیه بت‌شکنانه امام برشمردند اما در واقع این پاسخی بسیار هوشمندانه بود از سوی رهبری بزرگ که به روشنی می‌دانست ضعف بزرگ جامعه مسلمانان شبه‌قاره هند از دوران استعمار به این سو- حتی به رغم سهم آنها در پیروزی بر استعمار انگلیس نه منجر به استقلال شد- فقدان رهبری واحد بوده است؛ ضعفی که هنوز هم پابرجاست، چنان که پس از تقسیم شبه‌قاره به ۳ کشور بزرگ که ۲تای‌شان حکومت جمهوری اسلامی دارند، هنوز هم شاهد رهبری مقتدر و واحد چه در

شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۹
وطن امروز | شماره ۳۰۱۵

جهان



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در هندوستان (۱۳۵۹)

میان شیعیان و چه اهل سنت هیچ یک از این سه کشور نیستیم. نه تنها در پاکستان و هندوستان که کشورهای وسیع متشکل از ایالات و حوزه‌های جغرافیایی مختلف هستند، بلکه در بنگلادش کوچک نیز این بحران فقدان رهبری مسلمین به چشم می‌خورد.

عجیب آنکه نه تنها کشورهای پاکستان و بنگلادش توسط رهبران شیعه‌مذهب نظیر محمدعلی جناح تأسیس شده‌اند، بلکه هندوستان که هنوز خیلی‌ها به اشتباه آن را سرزمین مختص هندوان می‌دانند، در ۲۰ سال پس از استقلال خود ۳ رئیس‌جمهور مسلمان داشته که شاخص‌ترین آنها «ذاکر حسین» شیعه بوده است و ۲ تن دیگر نیز از صوفیان محب اهل‌بیت بوده‌اند.

حامد انصاری، سفیر دیرپای دهلی‌نو در ایران، دیگر شخصیت مسلمانی بود که در بازگشت به هندوستان به معاونت ریاست‌جمهوری رسید.

حسینعلی سلیمیان، دیپلمات باسابقه وزارت خارجه در حوزه پاکستان و هند، ضمن قیاس اوضاع جامعه شیعیان در این دو کشور، معتقد است ما باید حساب ویژه‌ای روی جامعه شیعیان هند باز کنیم. او می‌گوید: «برخلاف شیعیان پاکستان که در دهه‌های اخیر با القاتل‌ها مسموم وهابیون تحت فشار قرار گرفته‌اند اما در هند جامعه شیعیان جایگاه ممتازی حتی در میان کل مسلمین دارند».

چنین واقعیتی‌های مینای توجهات و تأکیدات پررنگ رهبر انقلاب نسبت به هندوستان و کشمیر است. پیام اخیر ایشان که بویژه از آغاز فعالیت رسانه‌های اجتماعی منسوب به دفتر رهبری به زبان‌های اردو و هندی، بازتاب گسترده‌ای داشت، واکنش نخست‌وزیر هند از موضع تمکین را در پی داشت. برای نخستین‌بار یک شخصیت هندوی تندرو از جناح فاشیست‌های «آراس‌اس» در مقابل مقدمات شیعه سر تعظیم فرود آورد و در آستانه محرم امسال در توتیتی به شهادت امام حسین(ع) در راه حقیقت و عدالت ادای دین کرد. به عبارت دقیق‌تر، رهبری معنوی شیعیان هند نه تنها می‌تواند به کل جامعه ۵۰۰ میلیونی مسلمان این کشور در شرایطی که تحت فشار و ستم نیز قرار گرفته‌اند جهت بدهد تا در مقابل رفتار افسار گسیخته هندوان تندرو و دولت مودی بایستند، بلکه نقش رهبری را در بازگرداندن دهلی‌نو به سمت محورهای منافع مشترک با تهران نیز می‌توان جست‌وجو کرد.



هندوستان در ۳۰ سال پس از استقلال خود ۳ رئیس‌جمهور مسلمان داشته که شاخص‌ترین آنها «ذاکر حسین» شیعه بوده است و ۲ تن دیگر نیز از صوفیان محب اهل‌بیت بوده‌اند

وقتی است که روزنامه‌ها و اینترنت و تلفن به شکل محدود دوباره برقرار شده ولی هنوز نماز جمعه تعطیل است. دولت هند می‌ترسد از اینکه مردم تحت هر عنوانی جمع شوند و علیه حکومت مرکزی شعار دهند.

■ **رهبر انقلاب اسفندماه خطاب به دولت هند هشدار دادند که باید در غائله کشتار مسلمانان مقابل هندوهای افراطی بایستد و همچنین برای مسلمانان پیام فرستادند که بیش از این در مقابل این ظلم سکوت نکنند. این پیام چه بازتابی در آنجا داشت؟**

در فضای مجازی بازتاب زیادی داشت. همانطور که گفتیم مسلمانان و شیعیان مرجعیت واحدی ندارند و وقتی یک رهبر واقعی وارد صحنه می‌شود برای‌شان غنیمت است. اما باید در نظر گرفت که وهابی‌ها نمی‌گذارند قاطبه اهل سنت با شیعیان متحد شوند. متأسفانه چه در هند و چه کشمیر بین خود شیعیان انسجام چندانی وجود ندارد و نیروهای‌شان پشت سر روحانیون محلی تقسیم شده است. امیدوارم این پیام فرصتی شود تا آنها پشت سر رهبری واحد جمع شوند.

■ **آیا اینکه نارندرا مودی به عنوان یک هندوی افراطی که در بالاترین مقام اجرایی هندوستان است لب به مدح سلالر شهیدان می‌گشاید نشانه ترس دهلی‌نو از پیام رهبری نیست؟**

البته درباره هندوهای عادی بی‌سابقه نبوده است. هر سال شاهدیم که در برخی شهرها، هندوها در مجالس عزاداری امام حسین(ع) سخنرانی کرده یا نذری پیشکش می‌کنند اما در میان هندوهای افراطی آن هم کسی مثل مودی که نه فقط به آمریکا و ترامپ، بلکه به اسرائیل نزدیک است، این اتفاق تازه‌ای بود. این نشان می‌دهد پیام حضرت آقا را گرفته‌اند و می‌خواهند اوضاع کمی آرام شود. پیام رهبری این موضوع را به دهلی‌نو یادآوری کرد که مسلمانان هند بی‌صاحب نیستند و نمی‌توان یک‌پنجم جمعیت را از حقوق اجتماعی و حتی سلسله‌مراتب دستگاه حاکمیت حذف کرد.